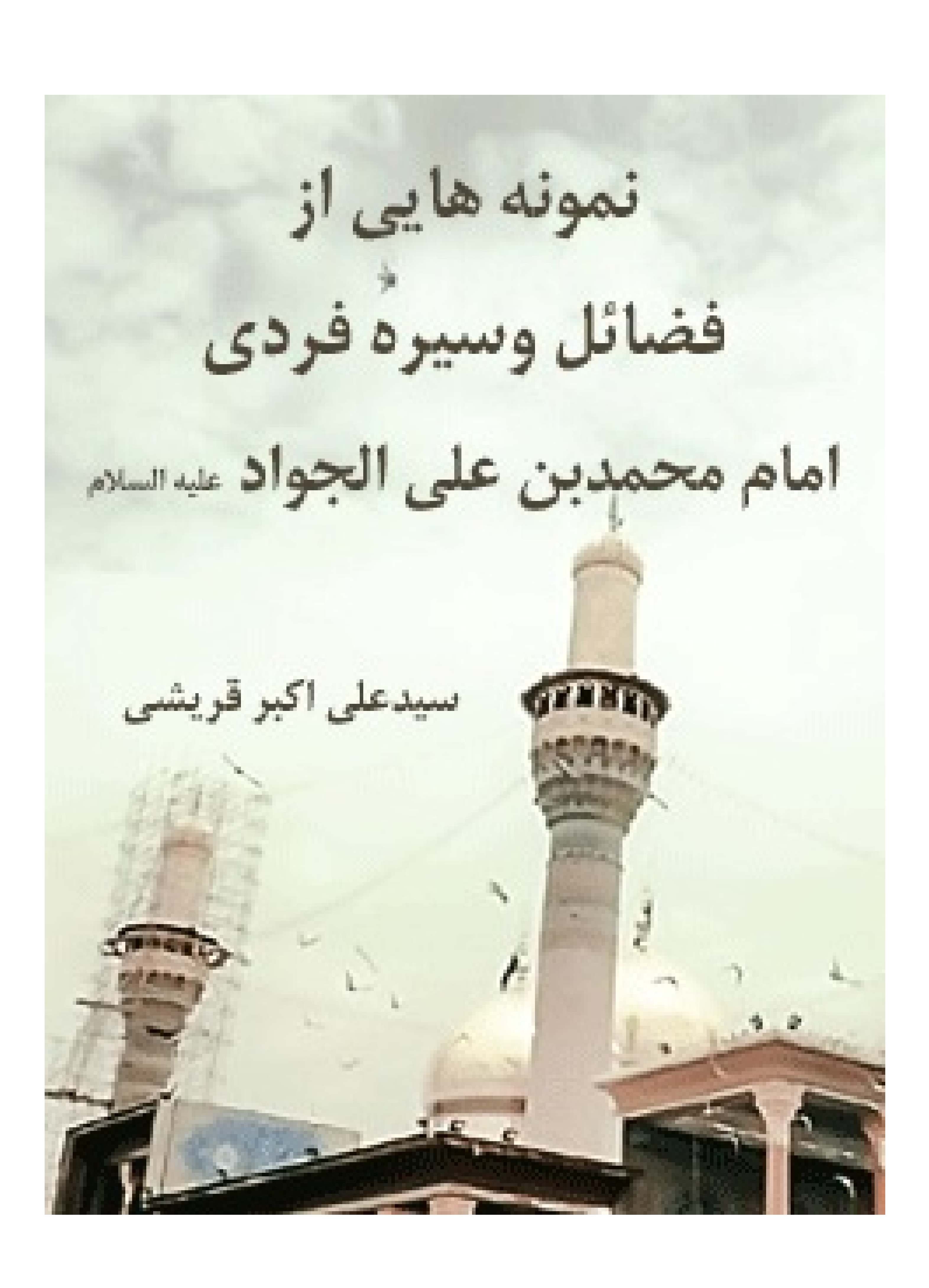

نمونه هایی از
فضائل وسیره فردی
امام محمدبن علی الجواد علیه السلام
سیدعلی اکبر قریشی


بسم الله الرحمن الرحیم

نمونه هایی از فضایل و سیره فردی امام محمد بن علی الجواد (علیهما السلام)

نویسنده:

علی اکبر قرشی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نمونه هایی از فضایل و سیره فردی امام محمد بن علی الجواد

مشخصات کتاب

مؤلف: سید علی اکبر قریشی

ناشر: سید علی اکبر قریشی

از جانب مادرم فاطمه طواف کنید

۱- موسی بن قاسم گوید: به أبی جعفر ثانی (امام جواد) (علیه السلام) گفتم: خواستم به عوض شما و پدرتان طواف کنم، ولی می گویند از طرف اوصیاء، طواف صحیح نیست؛ فرمود: نه، هر قدر بتوانی طواف کن، این کار جایز است. بعد از سه سال، به آن حضرت گفتم: من از شما اجازه خواستم که از جانب شما و پدرتان طواف کنم، اجازه فرمودی، آنچه خدا خواست از طرف شما طواف کردم، بعد چیز دیگری به نظرم آمد و به آن عمل کردم؟ امام فرمود: آن چیست؟ گفتم: یک روز از طرف رسول الله (صلی الله علیه واله) سه بار طواف کردم، در روز دوم از طرف امیرالمؤمنین (علیه السلام) طواف به جای آوردم، در روز سوم از جانب امام حسن و در روز چهارم از طرف امام حسین، روز پنجم به عوض علی بن الحسین، روز ششم از أبی جعفر محمد بن علی، روز هفتم از جعفر بن محمد، روز هشتم از جانب پدرت موسی بن جعفر روز نهم از جانب پدرت علی بن موسی، روز دهم از جانب شما ای آقای من!. اینها آنان هستند که به ولایتشان عقیده دارم. فرمود: آن وقت به خدا قسم به دینی اعتقاد داری که خداوند از بندگان غیر آن را قبول ندارد، گفتم: گاهی هم از جانب مادرت فاطمه (سلام الله علیها) طواف کردم وگاهی نکردم، فرمود: این کار را زیاد کن، این انشاء الله أفضل اعمالی است که می کنی. [۱].

نامه امام رضا به پسرش امام جواد

۲- أبی نصر بزنطی فرموده: نامه امام رضا (علیه السلام) را خواندم که به پسرش امام جواد نوشته بود: به من خبر رسید

که چون سوار شدی غلامان تو را از در کوچک بیرون می کنند، این کار از بخل آنهاست، تا کسی از تو خیری نبیند، تو را به حق خودم قسم می دهم دخول و خروجت فقط از در بزرگ باشد و چون سوار شدی مقداری پول طلا و نقره همراهت بردار تا هر که سؤال کند چیزی به او بدهی. هر که از عموهایت از تو احسانی خواست کمتر از پنجاه دینار نده، بیشتر از آن به اختیار توست، هر که از عمه هایت چیزی از تو خواست کمتر از بیست و پنج دینار نده، زیادی به اختیار توست، من می خواهم خدا تو را رفعت بخشد، انفاق کن، از جانب خدا از تنگدستی نترس. [۲] .

نامه امام جواد به حاکم سجستان

۳- مردی از بنی حنیفه گوید: در اولین سال خلافت معتصم عباسی که امام جواد (علیه السلام) به حج رفته بود، با وی رفیق راه بودم روزی در سر سفره طعام که عده ای از رجال خلیفه نیز بودند، گفتم: فدایت شوم، والی ما مردی است که شما اهل بیت را دوست دارد و من به دفتر او مالیات بدهکارم، اگر صلاح بدانید نامه ای بنویسید که به من ارفاق کند. امام فرمود: من او را نمی شناسم،گفتم: فدایت شوم، او همانطور است که گفتم: از دوستان شماست، نامه شما به حال من مفید است، امام (علیه السلام) کاغذ به دست گرفت و نوشت: بسم الله الرحمن الرحیم آورنده نامه من از تو مذهب خوبی نقل کرد، از حکومت فقط کار نیک برای تو می ماند، به برادرانت نیکی کن، بدان خدای تعالی از اندازه ذره و خردل از تو سؤال خواهد کرد. آن مرد

گوید: چون وارد سجستان شدم، به حسین بن خالد که والی آنجا بود خبر داده بودند که از جانب امام صلوات الله علیه نامه ای برای او می آورم، والی در دو فرسخی شهر خودش را به من رسانید نامه را به او دادم، گرفت و بوسید و آن را بر دو چشم خویش گذاشت. گفت: حاجتت چیست؟ گفتم: در دفتر تو مالیات بدهکارم، آن را از دیوان محو کرد و گفت: تا بر سر کار هستم دیگر مالیات مده، بعد گفت: خانواده ات چند نفر است؟ گفتم: فلان قدر، فرمود به من و آنها احسان کردند، تا او زنده بود دیگر مالیات ندادم، و تا زنده بود مرتب به من احسان می کرد. [۳] .

نامه امام جواد به علی بن مهزیار اهوازی

۴- امام جواد (علیه السلام) به ثقه جلیل القدر علی بن مهزیار اهوازی چنین نوشتند: بسم الله الرحمن الرحیم یا علی! خداوند پاداش تو را نیکو گرداند و در بهشت خودش جای دهد، و از خواری دنیا و آخرت بدورت دارد، و با ما اهل بیت محشور فرماید. یا علی! تو را امتحان کردم و در نصیحت و اطاعت و خدمت و توقیر و احترام به امام و قیام به آنچه بر تو واجب است، صاحب اختیارت گردانیدم، اگر بگویم نظیر تو را ندیده ام امیدوارم راست گفته باشم. خداوند پاداشت را جنات فردوس قرار بدهد، نه مقامت بر من پوشیده است و نه خدمتت در گرم و سرد و شب و روز، از خدا می خواهم چون اولین و آخرین را برای قیامت جمع کند، رحمتی بر تو عنایت فرماید که بوسیله آن مورد غبطه دیگران باشی که او شنونده دعاست. [۴] ناگفته

نماند: علی بن مهزیار اهوازی از امام رضا (علیه السلام) حدیث نقل کرده و از خواص امام جواد (علیه السلام) بود و از جانب آن حضرت وکالت داشت و نیز از جانب امام هادی (علیه السلام)، درباره وی توقیعاتی از آن حضرت صادر شد که مقام و عظمت او را در نزد شیعه روشن کرد، او در روایت، موثق بود و کتابهای مشهور نوشت. (رجال نجاشی).

دستور به مدارا با پدر ناصبی

۵- بکر بن صالح گوید: به امام ابی جعفر ثانی (علیه السلام) نوشت: پدرم ناصبی و خبیث الرأی است، از او بسیار سختی دیده ام، فدایت شوم برای من دعا کن و بفرما: چه کنم، آیا افشاء و رسوایش کنم یا با او مدارا نمایم؟ امام (علیه السلام) در جواب نوشت: مضمون نامه ات درباره پدرت فهمیدم، پیوسته انشاء الله برای تو دعا می کنم، مدارا برای تو بهتر از افشاگری است، با سختی آسانی هست، صبر کن «ان العاقبه للمتقین» خدا تو را در ولایت کسی که در ولایتش هستی ثابت فرماید. ما و شما در امانت خدا هستیم خدایی که امانتهای خویش را ضایع نمی کند. بکربن صالح گوید: خدا قلب پدرم را به من برگردانید بطوری که در کاری با من مخالفت نمی کرد. [۵] .

معجزه ای از جواد الائمه

شیخ مفید رحمهالله از محمد بن حسان از علی بن خالد نقل کرده: گوید: در سامراء بودم، گفتند: مردی را از شام آورده و زندان انداخته اند چون ادعا کرده که من پیغمبرم، این سخن بر من گران آمد، خواستم او را ببینم، با زندانبانان آشتی برقرار کردم تا اجازه دادند پیش او بروم. بر خلاف شایعه ای که راه انداخته بودند، دیدم آدم وارسته و عاقلی است، گفتم: فلانی درباره تو می گویند که ادعای نبوت کرده ای و علت زندان رفتنت همین است؟ گفت: حاشا که من چنین ادعایی کرده باشم، جریان من از این قرار است: من در شام در محلی که گویند: رأس مبارک امام حسین را در آن گذاشته بودند مشغول عبادت بودم، ناگاه دیدم شخصی نزد من آمد و به من گفت: برخیز برویم، من برخاسته و با

او براه افتادم، چند قدم نرفته بودیم که دیدم در مسجد کوفه هستم، فرمود: اینجا را می شناسی؟ گفتم: آری، مسجد کوفه است، او در آنجا نماز خواند، من هم نماز خواندم، بعد با هم از آنجا بیرون آمدیم، مقداری با او راه رفتم ناگاه دیدم که در مسجد مدینه هستیم. به رسول خدا (صلی الله علیه واله) سلام کرد و نماز خواند، من هم با او نماز خواندم، بعد از آنجا خارج شدم، مقداری راه رفتیم ناگاه دیدم که در مکه هستیم، کعبه را طواف کرد، من هم طواف کردم، [۶] بعد از آنجا خارج شدم چند قدم نرفته بودیم که دیدم در جای خودم که در شام مشغول عبادت بودم، هستم. آن مرد رفت، من غرق تعجب بودم که خدایا او کی بود و این چه کار؟! یک سال از این جریان گذشت که دیدم باز همان شخص آمد، من از دیدن او شاد شدم، مرا دعوت کرد که با او بروم، من با او رفتم، و مانند سال گذشته مرا به کوفه و مدینه و مکه برد و به شام برگردانید. و چون خواست برود گفتم: تو را قسم می دهم به آن خدایی که بر این کار قدرت داده بگو تو کیستی؟! فرمود: من محمد بن علی بن موسی بن جعفر هستم: (قلت سألتک بالحق الذی أَقدرک علی ما رایتُ منک إلاّ أَخْبرتَنی من انت قال: أنا محمد بن علی بن موسی بن جعفر (علیه السلام)». من این جریان را به دوستان و آشنایان خبر دادم، قضیه منتشر گردید تا به گوش محمد بن عبدالملک زیات [۷] رسید، او فرمان داد مرا به

زنجیر کشیده به اینجا آوردند و این ادعای محال را به من نسبت دادند، گفتم: جریان تو را به محمد بن عبدالملک زیات برسانم؟ گفت: برسان. من نامه ای به محمد بن عبدالملک وزیر اعظم معتصم عباسی نوشته، جریان او را باز گفتم، وزیر در زیر نامه من نوشته بود: احتیاج به خلاص کردن ما نیست، به آن کس که تو را از شام به کوفه و از کوفه به مدینه و از مدینه به مکه برد و باز به شام برگردانید و همه را در یک شب انجام داد، بگو تا تو را از زندان آزاد کند. علی بن خالد گوید: من از دیدن جواب نامه، از نجات او مأیوس شدم، گفتم: بروم و به او تسلی بدهم و چون به زندان آمدم دیدم مأموران زندان همه غرق در حیرتند و بی خود به این طرف و آن طرف می دوند، گفتم: جریان چیست؟! گفتند: آن زندانی در زنجیر و مدعی نبوت، از دیشب مفقود شده، درها بسته قفلها مهر و موم است، ولی معلوم نیست به آسمان و یا به زیر زمین رفته و یا مرغان هوا او را ربوده اند؛ علی بن خالد، زیدی مذهب بود، از دیدن این ماجرا معتقد به امامت گردید و اعتقادش خوب شد.ارشاد مفید: ص ۳۰۵، مرحوم کلینی آنرا در کافی: ج ۱ ص ۴۹۲ باب مولد أبی جعفر محمد بن علی الثانی (علیه السلام) نقل کرده است، مجلسی رضوان الله علیه آنرا در بحار: ج ۵۰ ص ۳۸ - ۴۰ از بصائرالدرجات نقل می کند و می گوید: آنرا شیخ مفید در ارشاد و طبرسی در اعلام الوری از ابن قولویه

از کلینی نقل کرده اند.

پاورقی

[۱] کافی: ج ۴ ص ۳۱۴ کتاب الحج باب الطواف والحج عن الائمه (ع).

[۲] عیون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۸.

[۳] کافی: ج ۵ ص ۱۱۱ کتاب المعیشه باب عمل السلطان و جوائزهم.

[۴] بحار: ج ۵۰ ص ۱۰۵ از غیبت شیخ.

[۵] بحارالانوار: ج ۵۰ ص ۵۵.

[۶] در نقل کافی آمده که گوید: اعمال حج را با او به جای آورد.

[۷] محمد بن عبدالملک زیات مردی ناکس و توانائی بود و در تنور میخداری که برای شکنجه مجرمین به وجود آورده بود کشته شد، ماجرای عبرت انگیزی دارد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹